

واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دوبار در سال پناه گیری را تمرین کنید.



پذیرش روزانه ۵ تا ۳ کودک سرراهی در شیر خوار گاهها

معاون اجتماعی بهزیستی استان تهران می گوید که از ابتدای سال تا پایان خردادماه ۲۱۶ کودک زیر ۶ سال در مراکز بهزیستی پذیرش شده اند و این آمار نشان می دهد روزانه به طور میانگین ۳ تا ۵ کودک در این مراکز پذیرش می شوند. مهشید موفقی بایان اینکه یک هزار و ۵۰۰ فرزند در مراکز نگهداری از کودکان و نوجوان وجود دارد، گفته است: «۱۰۵۰ فرزند در سال گذشته به فرزندخواندگی سپرده و برای ۲۶۳ فرزند زمینه بازگشت به خانواده فراهم شده است.» به گفته معاون اجتماعی بهزیستی استان تهران: «۳۵۰۰ کودک کار و خیابان از خدمات بهزیستی بهره مند شده، ۱۷ هزار نفر خدمات کنترل و کاهش طلاق گرفته و ۴۰۰۰ زن و دختر در معرض آسیب یا آسیب دیده از خدمات بهره گرفته اند.»

قصه آدمها

شما هم برای ما بنویسید  
Elnaz.2714@gmail.com

قصه بتول خانم، یک تراژدی امیدوار

الناز محمدی | مادر بزرگ ۸۷ ساله ام، همین طور که روی تخت چوبی حیاط سرسبز نشسته بود، نگاه کرد به درخت آلو باغچه که هر سال این موقع، پر می شود از آلوچه - تأکید می کنم آلوچه و نه به رسم تهران نشین های وابسته به فارسی معیار، گوجه سبز - و گفت: همین فردا پس فردا می آیم تهران، کارت ملی هوشمند بگیرم. مادر بزرگ ۸۷ ساله ام، سه سال دیگر ۹۰ ساله می شود و برای گرفتن کارت هوشمند ملی اش عجله دارد. این اگر امید به زندگی نیست، پس چیست؟ من نوه ۳۲ ساله او هستم و نه تنها کارت هوشمند نگرفته ام بلکه قصدی هم برای گرفتنش ندارم و این همه ماجرا نیست؛ من هنوز مدرک تحصیلی ام را از دانشگاهی که سال ۸۸ از آن فارغ التحصیل شدم نگرفته ام، پروژه های زیادی را نصفه ول کرده ام، خودروم را یک معاینه فنی ساده نبرده ام و هر روز جریمه می شوم، هیچ برنامه مشخصی برای سال های آینده ام ندارم و... و این یعنی پایان امید به زندگی؛ این یعنی یک جمله که بو کفستی به تمامی، بیانش کرده: «دستهایم را حرام کرده ام، همین طور ذهنم را.»

این سال ها اما «بتول خانم»، مادر بزرگم، زنی اهل روستایی در نزدیکی نظنسر، در قلب کویر کاشان، با زندگی اش چه کرده؟ روزهای گذشته چه بر سرش آورده و او هنوز به چه امیدی آن قدر زنده است که در آستانه ۹۰ سالگی می خواهد بیاید تهران، کارت ملی هوشمند بگیرد؟

بتول خانم را در روستای کوچکش، یک زن قدرتمند می دانند. زنی کشاورز با ۸ بچه که یکی شان سندرم داون است و همراه همیشگی اش. می گویم زنی کشاورز چون همین کشاورزی و گندم کاشتن و خرمن کوفتن، یک دستش را از او گرفته او هنوز زن جوانی بود که دستگاه به جای آرد کردن گندم ها، یک دستش را بلعید و دیگر پس نداد. از دست دادن یک دست اما به اندازه از دست دادن فرزند اول، زن ۲۵ ساله و زیبایی که مرد های زیادی برای ازدواج کردن با او سرودست می شکستند، سخت نبود. فرزند اول بتول خانم و همسرش را - مردی روشنفکر که تنها عضو خیلی باسواد و موسیقیدان آن زمان فامیل بود - کوه از او گرفت و دو فرزند کوچک از آنها برایش جا گذاشت؛ دو پسر که بعدها یکی شان، اول جوانی اش خودش را به دار زد و زندگی اش را تمام و یکی شان آواره کشورهای مختلف شد، عقلش را کمی از دست داد و حالا هیچ کس حتی از زنده بودنش خبر ندارد. همین سه سال پیش اما البته فرزند دوم بتول خانم، عاقل بود که بعد از فوت پدر بزرگم، بزرگ فامیل بود، افتاد دنبالش که ببیند فرزند خواهر فوت شده اش کجاست اما اجل او را هم در تصادفی سخت، از بتول خانم گرفت؛ همراه با سه نفر دیگر که پسرعمو و پسرعمه و دخترعمویش بودند. بتول خانم روز خاکسپاری پسر بزرگش - کسی که زیاد وابسته اش بود و هر روز دعا می کرد دست در خاک کند و اشرفی بیرون بیاورد - سر در قبر کرد و گفت: پسر من منزل نو مبارک باشد و بعد به بقیه گفت باید خیلی مادر بی عاری باشم که تا مراسم سال عباسم، زنده بمانم؛ که زنده ماند البته و صبر بتول خانم، روی زندگی را کم کرد.

او حالا زنی است در آستانه ۹۰ سالگی که هر روز می نشیند در ایوان حیاط خانه روستایی اش و به درخت هایی نگاه می کند که با دست های خودش، با دست های همسرش، با دست های دختر و پسر از دست رفته اش به بار نشستند و وقتی نوه هایش را می بیند، می گوید: «این درخت ها را می بینید؟ یعنی اول روی من کم می شود یا اینها؟»

بتول خانم همیشه در همه این سال ها گفته، درد آدم را بزرگ می کند، محکم می کند، می آموزد و پخته می کند. او هیچ وقت نشنیده که یک روز نویسندگی، جایی نوشته بود: «اندوه عارض های انسانی است نه پزشکی، و اگر چه قرص هایی کمک می کنند فراموشش کنیم، نه فقط اندوه را بلکه همه چیز را، هیچ قرصی نیست که درمانش کند. آدم های اندوهگین افسرده نیستند، فقط بجا و به موقع، به گونه ای در خور و شایسته کاملاً دقیق و حساب شده غمگین اند.»

بتول خانم را همین اندوه، به دور از افسردگی زن های شهرنشین بزرگ کرد و او حالا با شوق به شهر می آید که کارت ملی جدید بگیرد، برای باقی عمرش که دراز باد.

چرا انتشار ویدیوی گردشگران در نزدیکی آبشاری در استان فارس حاشیه ساز شد؟

ممنوعیت جنجالی یک روزه «مارگون»

نماینده شیراز در گفت و گو با «شهر وند»: «مارگون یکی از محیط های گردشگری است و بر همین اساس حق جلوگیری از ورود به آن وجود ندارد»



در نظر گرفتیم، فرماندار سپیدان همچنین با شایعه دانستن تعطیلی منطقه به دلیل ویدیوی منتشر شده تأکید کرده بود که دلیل نمی شود به دلیل حرکت اشتباه چند نفر، آبشار را تعطیل کرد.

«هیچ جرمی نمی تواند مانع ورود گردشگران شود»

مسعود رضایی، نماینده مردم شیراز در مجلس در این باره به «شهر وند» می گوید: «آبشار مارگون، یکی از جاذبه های گردشگری شهرستان سپیدان در دهستان مارگون است، اینجا یکی از محیط های گردشگری است و بر همین اساس حق جلوگیری از ورود به آن وجود ندارد. منتهی باید در این زمینه پیگیری هایی صورت بگیرد تا مشخص شود از طرف مقام های صلاحیت دار حکمی در این زمینه به ستاد پیشگیری از جرم صادر شده است یا خیر؟ چون در غیر این صورت کسی نمی تواند چنین ممنوعیتی را اجرایی کند.» او با اشاره به گفته هایی که دلیل این ممنوعیت را انتشار ویدیو کوتاهی از رقص در حوالی این آبشار می دانند، توضیح می دهد: «هیچ جرمی

تردد به محوطه آبشار مارگون بر داشته شد و وضعیت به حالت عادی برگشت. حالا با این ممنوعیت یک روزه خبر تازه این است: «نظارت و کنترل در خصوص رعایت اصول اخلاقی و شئون اسلامی در مجموعه آبشار مارگون از امروز افزایش خواهد یافت.» اگر چه معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری سپیدان موضوع ممنوعیت را از اساس به ویدیوی گردشگران ربط داده اما زارع خفری، فرماندار سپیدان دیروز به فارس گفته بود: «آبشار مارگون از قدیم ایلام به علت رفت و آمد بسیار، مشکلاتی از جهت ترافیک داشت، ضمن اینکه محیط زیست نیز برای آسایش بیشتر مردم، باید زیرساخت هایی را فراهم می کرد تا با توجه به جمعیت کثیری که به این مکان می آیند، مشکل ایجاد نشود. به همین دلیل در نشست که ماه گذشته با حضور مسئولان شهرستان برگزار شد، تصمیم گرفتیم مشکلات ترافیکی و زیست محیطی آبشار مارگون را حل و فصل کنیم؛ به همین لحاظ برای حل مشکل ترافیک و ایجاد پارکینگ روزهای شنبه و یکشنبه که جمعیت کمتری به این مکان تفریحی می روند را

شهر وند | راه های ورود گردشگران به آبشار مارگون بسته شد. این کار نه برای نجات این آبشار از هجوم گردشگران انجام شد و نه به هر دلیل مرتبط با گردشگری و محیط زیست. بنری که روز یکشنبه در جاده ورود به آبشار مارگون در استان فارس که جمله «ورود گردشگر و مسافر به آبشار و منطقه حفاظت شده مارگون تا اطلاع ثانوی ممنوع است» وصل شده بود، نشان می داد این تصمیم ستاد پیشگیری از وقوع جرم دادگستری سپیدان بوده و نه معاونت گردشگری یا اداره کل محیط زیست. این ممنوعیت که در نوع خود تازه است، مدتی پس از انتشار ویدیوی گردشگران در این آبشار اعمال شد و البته یک روز بیشتر دوام نیاورد. با اتفاق افتاده، تورهایی که گردشگران را به مارگون می برد، کنسل شد و تنها برای یک روز گردشگری وارد حاشیه شد؛ حاشیه ای که اتفاقاً در یک ماه گذشته با موضوع بازجویی مانده هژبری، دختر نوجوان جنجال به پا کرده بود.

دیروز پس از انتشار این خبر در فضای مجازی و همین طور رسانه ها، قاسم پاک نژاد، معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری سپیدان فارس به «ایرنا» خبر داد که تعطیلی یک روزه محوطه آبشار مارگون در پی هنجارشکنی برخی گردشگران در این محل بود که این مکان گردشگری امروز (دوشنبه) به طور کامل بازگشایی شد. او گفت: «تعدادی مطلب و کلیپ طی روزهای گذشته در فضای مجازی منتشر شد که بیانگر این بود که برخی گردشگران در این محوطه اقدام به هنجارشکنی و انجام رفتار مخالف شئون اسلامی کرده اند. متعاقب این قضیه، ستاد امر به معروف و نهی از منکر شهرستان سپیدان خواستار نظم دهی و نظارت بیشتر بر محوطه آبشار مارگون شد.»

به گفته پاک نژاد در حالی که با نصب بنر ممنوعیت تردد، تعطیلی کامل محوطه آبشار مارگون ممکن بود، مذاکراتی صورت گرفت تا در نهایت دیروز، محدودیت

نماینده شیراز: هیچ جرمی نمی تواند مانع ورود گردشگران شود

معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری سپیدان فارس: تعطیلی یک روزه محوطه آبشار مارگون در پی هنجارشکنی برخی گردشگران در این محل بود که این مکان گردشگری در روز دوشنبه به طور کامل بازگشایی شد

نماینده شیراز: یکی از مواردی که در خبر ممنوعیت از ورود گردشگران به آبشار مارگون به چشم می خورد این است که این ممنوعیت ورود گردشگران توسط ستاد پیشگیری از جرم دادگستری صادر شده است. واقعیت امر این است که بعید به نظر می رسد قوه قضائیه چنین حکمی را صادر کرده باشد، اگر هم چنین حکمی را صادر کرده باشد، باید تحقیق کنیم تا صدور چنین حکمی از نظر قانونی مشخص شود

«جواد حیدریان» روزنامه نگار حوزه محیط زیست: گردشگری پایدار به این معنی است که به همه ساختار طبیعت و فرهنگ منطقه گردشگری احترام گذاشته شود. نباید تنها همه مسائل را از دید مسئولان دید و گاهی بی توجهی از طرف مردم هم دیده می شود

دلیل بر ممانعت ورود به یک منطقه گردشگری نمی شود. با فرض این که جرم سنگینی در این منطقه صورت گرفته باشد، باید به این نکته توجه کنیم که هر جرمی مجازاتی دارد و می شود آن را در جایگاه خود مورد بررسی قرار داد و بر حسب قانون مجازات مقرر را در موردش اجرایی کرد.

رضایی از سوی دیگر ادامه می دهد: «یکی از مواردی که در خبر ممنوعیت از ورود گردشگران به آبشار مارگون به چشم می خورد این است که این ممنوعیت ورود گردشگران توسط ستاد پیشگیری از جرم دادگستری صادر شده است. واقعیت امر این است که بعید به نظر می رسد قوه قضائیه چنین حکمی را صادر کرده باشد، اگر هم چنین حکمی را صادر کرده باشد، باید تحقیق کنیم تا صدور چنین حکمی از نظر قانونی مشخص شود. بر این مبنا که بر اساس پیشگیری از چه چیزی چنین حکمی صادر شده است. اگر مبنا را بر این بگذاریم که برای تکرار نشدن رفتاری جرم برانگیز یا منافی عفت بود، می توان گفت با روش های دیگری می توان از این رفتارها جلوگیری کرد و نمی توان بر اساس آن مانع ورود گردشگران به این منطقه شد.» او معتقد است برای پیشگیری از چنین رفتارهایی می شود مامورانی را به کار گرفت، همان طور که در مکان های دیگر از آنها استفاده می شود.

«رفتار گردشگران هم جای بحث دارد»

«جواد حیدریان» روزنامه نگار حوزه محیط زیست معتقد است که علاوه بر نقد رفتار مدیران در چنین مواردی، رفتار گردشگران هم جای بحث دارد. او در این باره به «شهر وند» می گوید: «گردشگری پایدار به این معنی است که به همه ساختار طبیعت و فرهنگ منطقه گردشگری احترام گذاشته شود. نباید تنها همه مسائل را از دید مسئولان دید و گاهی بی توجهی از طرف مردم هم دیده می شود. به همان اندازه که رفتار مدیران می تواند آسیب زا باشد، بی توجهی گردشگران نسبت به فرهنگ و آداب رسوم یک منطقه هم می تواند مشکل ساز باشد.» این روزنامه نگار ادامه می دهد: «در تمام دنیا به خصوص در سطحی که گردشگر با جوامع محلی سروکار دارد، این احترام به فرهنگ و آداب محلی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است؛ در شهری مثل شیراز و تبریز، خرده فرهنگ های بومی وجود دارد که وقتی فردی غیر بومی وارد شود، باید این موارد را مدنظر داشته باشد، در جوامع روستایی این موضوع شدیدتر است. گردشگر باید خودش را با جامعه هدف تطبیق دهد، چون در حال بهره بردن از آن طبیعت و آداب و رسوم است. این موضوع در تمام دنیا پذیرفته شده و تنها مختص ایران نیست.» حیدریان که خود متولد سی سخت در استان کهگیلویه بویراحمد است و آداب و رسوم منطقه مارگون را می شناسد، درباره تأثیر تصمیم چند روزه ممنوعیت بازدید از آبشار مارگون بر اقتصاد این منطقه هم می گوید: «به طور کلی ما سیاست هدفمند در زمینه گردشگری در سطح کشور نداریم؛ نه در بعد اقتصادی و نه گردشگری. گردشگری امری سیال است، ولی جایی با تمام ارزش و کیفیت آن مهجور می ماند. اما بخش مارگون، منطقه بسیار محرومی است و این گردشگری که در سال های اخیر در اطراف این آبشار رونق گرفته، در پیچه اقتصادی برای ساکنان کم بضاعت این منطقه ایجاد کرده که قطعاً این تصمیم، تأثیر منفی بر همین حداقل درآمد داشته است.»

آبشار مارگون کجاست؟

این آبشار که در یکی از دره های غربی شهرستان سپیدان در فاصله حدود ۱۳۰ کیلومتری شیراز است، در منابع مختلف به عنوان بزرگترین آبشار چشمه ای ایران و جهان معرفی می شود. مارگون به یاسوج بسیار نزدیک است و توره های زیادی مسیرشان از یاسوج به این آبشار ختم می شود.



بهبودی موزه هنرهای معاصر

موزه هنرهای معاصر تهران از اردیبهشت ماه به دلیل بهسازی تعطیل شده است. به همین دلیل الحاقات این بنا برداشته و مشکلات رطوبتی، دما و... برطرف خواهد شد. به گزارش «ایسنا»، همچنین قرار است دو گالری موزه تعمیر و گنجینه آثار هنری به آنجا منتقل شود، در جریان این کار، ظرفیت محل نگه داری گنجینه موزه نیز حداکثر تا ۵۰ درصد افزایش می یابد، البته مرمت آثار گنجینه جزو طرح های این پروژه نیست.